

## معلولیت محدودیت نیست



ناگفته‌ای دیگر...

دختری که با قلب شکسته، گام‌های استوار، اهداف بلند و امیدهای سبز در مسیر زنده‌گی در حرکت است. این دخت غیور و هدف‌مند در یکی از روستاهای ولایت پروان زاده شد و نامش را مشتری گذاشتند. مشتری هنوز راه رفتن را تجربه نکرده بود که بر اثر بیماری پولیو فلج شد و از قدم‌زدن و راه رفتن محروم ماند.

مشتری دانش، لحظه‌های تلخ و تار را هنوز به یاد دارد و می‌گوید: "دو ساله بودم که تب شدیدی وجودم را فراگرفت؛ مادرم مرا نزد دوکتور روستا بُرد، او (دوکتور) به من آمپول پنیسیلین تطبیق کرد، بعد مادرم مرا به خانه آورد و به گهواره خواباند، فردای آن روز وقت مرا از گهواره باز کرد، دید که پاهایم و حتی کمرم حرکت ندارد. بعد از بسیار معالجه، توانستم بنشینم؛ تا سن هفت‌ساله‌گی نمی‌توانستم به‌پا ایستاده شوم. بعد از این‌که مدت دو الی سه‌سال در شفاخانه‌ی اورتوپیدی صلیب سرخ تداوی فزیوتراپی دیدم و چند نوبت جراحی را سپری کردم، برایم قالب مصنوعی ساختند به بسیار مشکل به پای‌استاده شدم و حال خوشبختانه با قالب مصنوعی و دوتا عصا راه رفته می‌توانم..."

مشتری با آن‌که در اثر بی‌توجهی خانواده و دولت و اداره‌ی صحت کشور پاهایش را از دست داد، ولی هیچ‌گاهی همت و ایمان خود را از دست نداد. او هدف‌مند و قوی و با برنامه‌های بلند حرکت کرد و وارد یکی از مکاتب برای آموزش شد. هرچند مشتری در ابتدا با مخالفت‌های شدید تعدادی از اعضای خانواده‌اش در موقع شامل‌شدن به مکتب روبه‌رو شد؛ اما وی تلاش کرد تا اعتماد خانواده را در رابطه به توانمندی‌هایش به‌دست آورد و به درس‌های مکتب ادامه دهد. مشتری سال‌های دوم، چهارم، ششم و هشتم مکتب را امتحان لیاقت داد تا دوره‌ی لیسه را به پایان رسانید و در کانکور سال ۱۳۸۹ شرکت کرد و با کسب (۳۰۰) نمره به دانشکده‌ی ساینس دانشگاه کابل راه یافت؛ علاقه‌ی قلبی‌اش اما، چیزی نبود به جز دانشکده‌ی حقوق؛ همین بود که خودش را به دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تبدیل نمود. مشتری در تمام دوران دانشگاه، شاگرد اول صنف بود و سرانجام از رشته‌ی قضایی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه البیرونی - بخش شبانه مدرک لیسانس گرفت.

مشتری در جریان تحصیل در یکی از مکتب‌های زاده‌گاهش به‌حیث معلم و مدتی هم به صفت مدیر اجرایی ایفای وظیفه نموده است. پس از فراغت از دانشگاه با گذشتن از آزمون رقابتی به حیث دادستان در اداره‌ی عالی دادستانی کل کشور موفق گردید و در حال حاضر در اداره‌ی یادشده مشغول انجام وظیفه می‌باشد. مشتری دانش اولین دختر معلول است که در سطح افغانستان راننده‌گی بلد است. مشتری در اکثریت مبارزات مدنی سهم فعال داشته و از حقوق مشروع معلولین همواره دفاع کرده. در پهلوی این، عضویت چندین نهاد اجتماعی و فرهنگی را نیز دارد.

معلولیت و ناتوانی‌جسمانی هیچ‌گاهی نتوانسته مانع تعقیب اهداف و آرمان‌های آسمانی این بانوی باغرور شود. مشتری اما آن‌همه دشواری را نیز با غیرت عالی و متعالی‌ای که داشت، پُشت سر گذشتاند و همین اکنون دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد (ماستری) در یکی از دانشگاه‌های خصوصی در کشورش می‌باشد و برای رسیدن به اهداف و الایش کار و پیکار می‌کند. مشتری دوست دارد که ادامه تحصیل تا مقطع دکتورا به پایان برساند و برای جامعه‌ی بشری خدمت کند و برای زنان افغانستان به‌خصوص زنان و دختران معلول کشور زمینه‌ی خودکفایی اقتصادی را فراهم سازد. مشتری، راز‌های موفقیت را در ایستاده‌گی در مقابل مشکلات، استفاده از امکانات اندک و تلاش روزافزون جهت رسیدن به اهداف و همچنان باورمند بودن به توانمندی انسانی و اعتماد به نفس می‌داند. مشتری از حکومت، مردم و جامعه جهانی می‌خواهد که به تطبیق قانون،

اعاده‌ی حقوق و امتیازات افراد دارای معلولیت از آدرس حکومت افغانستان و کنوانسیون‌های بین‌المللی توجه کند او همچنان می‌خواهد که توجه خیلی‌ها جدی به توانایی‌های معلولین شود و به‌خاطر توان‌مندسازی معلولین کشور برنامه‌ها و طرح‌های راه‌اندازی و تطبیق شود. مشتری از مردم و جامعه‌اش می‌خواهد که از نگاه‌های حقارت‌آمیز به قشر معلول بپرهیزند و این وظیفه‌ی هر فرد جامعه است که در راه‌اندازی و ایجاد برنامه‌های انکشافی برای توان‌مندسازی هرچه‌بیشتر معلولین و کمک‌های معنوی سهیم شوند.

نوشته: مریم مسیح

بازنشر: س. عیار لمر